



Analyzing the Responsibility of the Contractual Oblige in the Assumption of Assigning the Obligation with Reference to the Narrative of Zorarah and Abi Basir

Seyyed Vahid Sadeqi¹ | Mohammad Mahdi Al-Sharif^{2*}

1. Ph.D Student in Private Law, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran, Email: sv86sadeghi@gmail.com

2. Corresponding Author, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran, Email: m.alsharif@ase.ui.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received 18 March 2022

Revised 10 June 2022

Accepted 16 June 2022

Published online 25 June 2022

Keywords:

Zorarah Narrative,

Contractual Responsibility,

Contractual Responsibility

Resulting from the Action of the Third Party,

Responsibility Resulting from the Act of the Third Party,

Obligation

ABSTRACT

Today, in many contracts, the contractual obligee seeks help of a third party to fulfill all or part of his obligation. The question that is raised here is that when the obligee to the contract seeks help of another person to fulfill the obligation, what is the responsibility of the obligee to the initial contract as a result of the claim of damage by a third party? As a basic rule, the claim of damage by a third party will not create responsibility for the obligee unless the responsibility is explicitly or implicitly stipulated on the obligee. A part of this article reviews the narrative of Zorarah and Abi Basir regarding the issue. By taking the criteria from this narrative, it can be concluded that the contractual obligee is responsible for the damage sustained by the first obligee caused by the third party due to the implied condition of guaranteeing the damage.

Cite this article: Sadeqi, S.V. & Al-Sharif, M. M. (2023). Analyzing the Responsibility of the Contractual Oblige in the Assumption of Assigning the Obligation with Reference to the Narrative of Zorarah and Abi Basir. *Jurisprudential Researches*, 19 (3), 237-250. DOI: <http://doi.org/>



©Author(s): Seyyed Vahid Sadeqi & Mohammad Mahdi Al-Sharif

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/> ???



انتشارات دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

تحلیل مسئولیت متعهد قراردادی در فرض واگذاری تعهد با استناد به روایت زراره و ابی بصیر

سیدوحید صادقی^۱ | محمدمهدی الشریف^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، رایانامه: sv86sadeghi@gimail.com
۲. نویسنده مسئول، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، رایانامه: m.alsharif@ase.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

کلیدواژه:

روایت زراره

مسئولیت قراردادی

مسئولیت ناشی از فعل غیر

تعهد

استناد: صادقی، سید وحید و الشریف، محمدمهدی (۱۴۰۲). تحلیل مسئولیت متعهد قراردادی در فرض واگذاری تعهد با استناد به روایت زراره و ابی بصیر. پژوهش‌های فقهی، ۱۹ (۳)، ۲۳۷-۲۵۰.

DOI: <http://doi.org/0000->

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/????>

© نویسنده: سید وحید صادقی و محمدمهدی الشریف



مقدمه

در بسیاری از موارد، متعهد قراردادی انجام دادن تعهد را به زیردستان خود می‌سپرد یا طی قرارداد دوم همه یا بخشی از کار را به دیگری واگذار می‌کند و عمل این اشخاص که رابطه قراردادی مستقیم با متعهدله ندارند منشأ زیان متعهدله می‌شود. پرسش اساسی این مقاله این است که آیا متعهد در قرارداد پایه نسبت به خساراتی که به واسطه عمل یا تقصیر ایادی زیردست خود یا ایادی بعدی به بار آمده مسئولیت مدنی دارد یا خیر؟ از منظر حقوقی برخی استادان به این موضوع اشاره کرده و به تبع حقوق فرانسه قائل به مسئولیت متعهد اول شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۶۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۶۷۲؛ یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۱۶). این مسئولیت همان است که امروزه به نام «مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر» شناخته می‌شود (ژوردن، ۱۳۹۱: ۱۷۷؛ سنهوری، بی تا: ۶۶۸؛ یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۱۶). مرحوم کاتوزیان در توجیه این مسئله به ماده ۳۸۸ ق.ت. در باب مسئولیت متصدی حمل و نقل نسبت به عمل مأموران خود استناد کرده و آن را ویژه حمل و نقل نشمرده و بنابراین در باب وکیل و تعمیرکار و پیمانکار فرعی و مسئولیت اشخاص حقوقی نسبت به عمل کارکنان نیز مسئولیت وکیل دوم یا شاگرد تعمیرکار یا پیمانکار اول یا شخص حقوقی را مطابق قاعده شمرده است. از نظر ایشان ملاک مسئولیت ناشی از عمل غیر که در مسئولیت غیر قراردادی مطرح است در اینجا نیز وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۶۱). اما، از منظر فقهی، فرعی مرتبط با موضوع در کتب فقها مشاهده نشده است؛ هرچند مطابق مبانی فقها، در خصوص ضمانات، می‌توان به حکم قضیه پی برد. فقها اتلاف از سوی صانع و اجیر را بر مبنای قواعد اتلاف و تسبیب حل می‌کنند (خویی، ۱۴۱۸: ۲۴۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۰۴) و حتی در روابط پزشک و بیمار نیز آنچه بر مسئله حکومت می‌کند قواعد اتلاف و تسبیب است (یزدی، ۱۴۲۱: ۶۸). مطابق این مبانی، ضمان تنها بر شخص متلف که در فرض ما متعهد دوم است مستقر می‌شود. بنابراین پذیرش مسئولیت مدنی متعهد اصلی در قبال عمل غیر به منزله یک قاعده عام با ابهامات و اشکالات متعددی روبه‌روست و در انتساب این دیدگاه به فقه و همچنین قانون‌گذار ایران دشواری‌های جدی وجود دارد. در این زمینه، ابتدا به موانع پذیرش مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر در حقوق ایران اشاره می‌شود و سپس مبنای منتخب در فقه و حقوق ایران بررسی خواهد شد. در پایان این مقاله، با استناد به روایات موجود در باب اجاره عبد (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۹: ۱۱۴) و اخذ ملاک از این روایات، حکم به مسئولیت متعهد اول در برخی فروع از باب شرط ضمنی ضمان داده شد.

۱. مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر در حقوق ایران

۱.۱. تغییر مواد قانون مدنی فرانسه در خصوص مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر در قانون مدنی ایران
در حقوق ایران برخلاف مسئولیت تقصیری یا قهری ناشی از عمل غیر، که به صورت قاعده کلی در ماده ۱۲ ق.م.م. آمده، در خصوص مسئولیت قراردادی ناشی از عمل دیگری نه تنها همچون حقوق فرانسه هیچ متن عامی که دلالت بر پذیرش چنین مسئولیتی کند وجود ندارد (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۱۵)، بلکه از قضا برخی از مواد قانون مدنی فرانسه، که در موارد خاص دلالت بر چنین مسئولیتی دارد و حقوق دانان فرانسوی برای اثبات قاعده کلی از آن‌ها استفاده کرده‌اند، در قانون مدنی ایران تغییر یافته و پذیرش قاعده از سوی قانون‌گذار ایران را با تردید بیشتر روبه‌رو ساخته است. مثلاً ماده ۱۹۹۴ قانون مدنی فرانسه وکیل اول را در فرضی که حق توکیل نداشته مسئول اعمال وکیل دوم دانسته؛ در حالی که ماده ۶۷۳ ق.م. ایران که از همین ماده اقتباس شده عبارت «وکیل پاسخگوی وکیلی است که جانشین خود کرده» را، که به صراحت بر پذیرش مسئولیت در خصوص وکالت بدون حق توکیل دلالت دارد، حذف و به جای آن از مسئولیت هر وکیل نسبت به آنچه هر یک مسبب بوده سخن گفته است. به موجب ماده ۶۷۳: «اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود». چنان که از ظاهر ماده برمی‌آید نویسندگان قانون مدنی ایران به جای پاسخگو شمردن وکیل اول هر یک را مسئول خساراتی دانسته‌اند که سبب شده‌اند. برداشت مسئولیت تضامنی یا مسئولیت وکیل اول نسبت به خساراتی که وکیل دوم مسبب آن بوده از ظاهر این ماده بسیار دور است؛ هرچند برخی از نویسندگان حقوق ایران ماده ایرانی را مشابه معادل فرانسوی قلمداد کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۶۸؛ یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۲۷). به هر حال قانون‌گذار ما در این فرض که به دلیل عدم حق توکیل مسلماً وکیل اول در تفویض کار

به وکیل دوم مقصر است از تصریح به مسئولیت ناشی از فعل غیر اجتناب کرده و این موضع‌گیری با ادعای پذیرش مطلق مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر از سوی مقنن ایران یا دست‌کم در قانون مدنی به‌دشواری قابل جمع است. همچنین است تغییراتی که قانون‌گذار مدنی ایران برای تدوین ماده ۲۷۸ خود در ماده ۱۲۴۵ سابق ق.م. فرانسه (که با تغییراتی در ماده ۵-۱۳۴۲ جدید منعکس شده) داده است. ماده یادشده مقرر می‌داشت: «بدهکار یک مال معین و معلوم با تسلیم آن در وضعی که حین تسلیم دارد از تعهد آزاد می‌شود، به شرط اینکه نقص و خرابی حاصله در مال ناشی از عمل یا تقصیر خود وی یا عمل و تقصیر کسانی که وی مسئول عمل آنان است نباشد...». عبارت «عمل و تقصیر کسانی که وی مسئول عمل آنان است» به‌خوبی بیانگر مسئولیت ناشی از فعل غیر است. چنان که اشاره شد، این ماده منشأ اقتباس ماده ۲۷۸ قانون مدنی ایران است و نویسنده قانون مدنی عبارت «عمل و تقصیر کسانی که وی مسئول عمل آنان است» را حذف کرده است. برخی نویسندگان بر آن‌اند که مقنن در مقام نفی مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر نبوده است (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۳۱) و فرضی را که مال به وسیله کسانی تلف می‌شود که امین مسئول اقدام آن‌هاست (مانند کارگران هنگام کار) باید به موارد ضمان امین افزوده شود. زیرا احتمال دارد امین مقصر نباشد، ولی مسئول فعل دیگران قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۰). تغییرات صورت‌گرفته در قانون مدنی ایران حداقل این احتمال را تقویت می‌کند که نویسندگان فقیه قانون مدنی در پذیرش مسئولیت قراردادی ناشی از عمل دیگری با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند و چنان که خواهیم دید به احتمال قوی مبانی فقهی مورد قبول نویسندگان قانون مدنی اجازه پذیرش چنین مسئولیتی را نمی‌داده است. با وجود سکوت یا تردید قانون مدنی در پذیرش این مسئولیت به نحو عام یا خاص، قانون‌گذار ایران در یکی یا دو مورد به مصادیقی از این مسئولیت اشاره کرده است. بنابراین، در واقع بحث حول این نکته متمرکز می‌شود که آیا از این دو متن می‌توان استخراج قاعده عمومی کرد یا خیر؟ مثلاً در ماده ۳۸۸ ق.ت. متصدی حمل‌ونقل را مسئول حوادث و تقصیراتی که در مدت حمل واقع شده دانسته؛ «اعم از اینکه خود مباشرت به حمل‌ونقل نموده باشد یا حمل‌ونقل‌کننده دیگری را مأمور کرده باشد». استاد کاتوزیان بدون هیچ توجیه روشنی حکم این ماده را قابل تعمیم به همه موارد دانسته است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۶۱) و در تأیید وجود این قاعده در حقوق ایران به ماده ۶۷۳ ق.م. در باب وکالت تکیلی استناد کرده است که همان‌گونه که گذشت این ماده نه‌تنها بر چنین مسئولیتی دلالت ندارد، بلکه تغییراتی که نویسنده قانون مدنی ایران در نسخه فرانسوی داده، از شواهد عدم پذیرش این قاعده از سوی قانون‌گذار مدنی به حساب می‌آید. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد مسئولیت مقرر در ماده ۳۸۸ قانون تجارت با مبانی حقوقی و فقهی سازگار نیست و خلاف قاعده است. مطابق مبانی فقهی و قانون مدنی متصدی حمل‌ونقل امین محسوب می‌شود. در فرضی که متصدی حمل‌ونقل اذن در واگذاری تعهد داشته باشد یا اطلاق قرارداد این اجازه را به او داده باشد، در صورتی که مرتکب تعدی و تفریط نشود و شخص مناسبی را برای این کار بگمارد و شخص ثالث مرتکب اتلاف مال شود، مسئول دانستن متصدی حمل‌ونقل اول با مبانی سازگار نیست. نظریات شورای نگهبان در خصوص عدم مسئولیت شرکت در صورتی که تقصیر صرفاً منتسب به راننده باشد نشان از آن دارد که حکم مقرر در ماده ۳۸۸ قانون تجارت موافق مبانی شرعی نیست (نظریات شماره ۸۴/۳۰/۱۱۴۲۶ مورخ ۱۳۸۴/۰۱/۲۵ و شماره ۹۹/۱۰۲/۱۶۸۱۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۱). تنها مورد دیگری که برای اثبات وجود چنین قاعده‌ای در حقوق ایران مورد استناد قرار گرفته (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۲۳) بند «ب» ماده ۲۴ پیمان است که مقرر می‌دارد: «... پیمانکار مسئول تمام عملیاتی است که توسط پیمانکاران جزء یا کارکنان آن‌ها انجام می‌شود...» و از مستندات مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر قلمداد شده است. به نظر می‌رسد تمسک به این مقررره برای پذیرش این مسئولیت به عنوان یک قاعده صحیح نباشد. زیرا اولاً این مقررره قانون نیست و فقط یک دستورالعمل از ناحیه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است. ثانیاً این مقررره به عنوان یک دستورالعمل دارای مقررات آمره نیست و فقط قراردادهای پیمان مبتنی بر آن شکل می‌گیرد. در این زمینه شورای نگهبان در خصوص بند «ط» ماده ۱۷ این دستورالعمل این‌گونه مقرر داشته است: «مورد شکایت خلاف شرع دانسته نشد. توضیح اینکه پیمانکار بر اساس این پیمان، از جمله بند ط مورد شکایت، قرارداد خود را با کارفرما منعقد نموده است و قرارداد مبنیاً بر این پیمان و شرایط منعقد شده است و با توجه به اینکه اصل مفاد بند ط خلاف شرع نیست الزامات موجود در آن نیز خلاف شرع نمی‌باشد.» (نظریه شماره ۱۵۷۲/۱۰۰/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۱). بنابراین چون قراردادهای پیمانکار و کارفرما مبتنی بر این دستورالعمل است نوعی شرط ضمن عقد است که طرفین ملزم به آن محسوب می‌شوند.

به طور خلاصه می‌توان گفت قانون‌گذار ایران تنها در این دو مورد به چنین مسئولیتی اشاره کرده و برای اثبات وجود قاعده باید ثابت شود که این دو مورد استثنائی نیست و با مبانی کلی حاکم بر حقوق ایران سازگار است.

۱. ۲. اختلاف استادان حقوق ایران در پذیرش مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر

چنان که گذشت برخی استادان قائل به مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۶۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۶۷۲؛ یزدانین، ۱۳۹۵: ۱۸۷). استادان دیگری نیز در این خصوص قائل به مسئولیت متعهد اول هستند؛ هرچند برخی آن را در قالب مسئولیت قهری ناشی از فعل غیر (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۷۴) و برخی آن را در چارچوب مسئولیت قراردادی تحلیل کرده‌اند (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). استاد شهیدی برخلاف استادان یادشده اولاً مسئولیت قراردادی را نسبت به متعهد نمی‌پذیرد. زیرا، به حسب فرض، ثالث سبب نقض قرارداد شده نه متعهد اصلی و عمل او در حکم فورس ماژور برای متعهد اصلی بوده است. ثانیاً مسئولیت قراردادی نسبت به ثالث را نیز به دلیل فقدان قرارداد بین متعهد اصلی و ثالث منتفی می‌دانند. و بالاخره مسئولیت قهری و از باب تسبیب را نیز صرفاً متوجه متعهد فرعی یا همان ثالث می‌دانند (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۱۶ - ۲۱۹).

البته یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که حتی این حقوقدانان باورمند به وجود قاعده در حقوق ایران نیز به تفاوت‌های حقوق ایران و فرانسه توجه داشته‌اند و حکم ماده ۱۷۳۵ ق.م. فرانسه را، که مستأجر اول را مسئول زیان و خرابی ناشی از مستأجر دوم می‌داند، مغایر با مبانی قانون مدنی ایران دانسته‌اند و بر آن‌اند که در حقوق ایران اگر مستأجر حق اجاره به دیگری را داشته باشد مسئولیتی در قبال خسارات مستأجر دوم ندارد (یزدانین، ۱۳۹۵: ۲۲۴). به نظر می‌رسد تفاوت‌های حقوق ایران و فرانسه در این موضوع به این حد محدود نیست و در موارد بسیار دیگری نیز باید از پذیرش این مسئولیت چشم پوشید که یکی از نمونه‌های نسبتاً روشن آن مسئولیت محجور در قبال تقصیر نماینده خود در اجرای قرارداد است و نمونه دیگر موارد خسارت جسمانی است که به دلیل حکومت بلامنازع قانون مجازات اسلامی دیه یا ارش بر کسی مستقر می‌شود که مسبب ورود آسیب بوده و مثلاً جراح طرف قرارداد که نقشی در ورود آسیب به بیمار نداشته است در قبال اعمال زیان‌بار سایر اعضای تیم جراحی، مثلاً متخصص بیهوشی، به صرف اینکه طرف اصلی قرارداد بوده، به دیه یا ارش محکوم نخواهد شد.

۲. امکان سنجی پذیرش مسئولیت متعهد اصلی در حقوق ایران

به نظر می‌رسد با توجه به سکوت قانون‌گذار ایران و وجود صرفاً یک یا دو متن قانونی، یعنی ماده ۳۸۸ ق. تجارت و بند «ب» ماده ۲۴ قرارداد پیمان، و نیز با توجه به اختلاف نظر استادان حقوق مدنی ایران در وجود چنین قاعده‌ای در حقوق ایران، مسئله محوری در این موضوع که باید بر آن متمرکز شد روشن کردن این مطلب است که آیا می‌توان برای مسئولیت متعهد قراردادی در فرض نقض قرارداد توسط متعهدان ثانویه مبنایی در حقوق ایران جست‌وجو کرد یا نه.

۱. ۲. مبنای مسئولیت متعهد اصلی؛ مسئولیت قراردادی یا قهری؟

مبنای مسئولیت متعهد اصلی در فرض وجود یا از نوع مسئولیت قراردادی یا از نوع مسئولیت قهری است. پس پرسش نخست این است که آیا بر اساس مبنای مسئولیت قراردادی می‌توان متعهد قرارداد اولیه را به دلیل تخلف ایادی بعدی وی مسئول شمرد؟ یکی از مشکلات اساسی پذیرش مسئولیت قراردادی در چنین فرضی را باید در ابهام در اصل مسئولیت قراردادی در حقوق ایران دانست. هرچند در حقوق فرانسه و اغلب نظام‌های حقوقی مسئولیت قراردادی ناشی از نقض قرارداد امری شناخته شده است، به نظر می‌رسد آنچه قانون مدنی ایران به عنوان مسئولیت قراردادی در مواد ۲۲۱ به بعد به رسمیت شناخته با مفهوم فرانسوی آن تفاوت اساسی دارد. از منظر فقهی، اگر کسی سبب تلف یا مباشر تلف مال دیگری قرار گیرد، مشمول قواعد اتلاف و تسبیب می‌شود و وجود قرارداد مانع از شمول قواعد ضمان قهری نمی‌شود. نمونه‌های فراوانی را در میان آرای فقها می‌توان در تأیید این نظر یافت. مثلاً اگر زارع بعد از عقد مزارعه و بدون هیچ عذری زراعت را ترک کند و مدت عقد منقضی شود، مشهور فقها و قانون مدنی قائل به ضمان اجرت‌المثل شده‌اند (← عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲۰: ۵۸؛ حکیم، ۱۳۷۴: ۸۱). مطابق این نظر دلیل ضمان عامل تفویض منافع زمین است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۸). همچنین، در مسئله اتلاف از سوی صانع و اجیر، فقها آن را بر مبنای قواعد اتلاف و تسبیب حل می‌کنند (خویی، ۱۴۱۸: ۲۴۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۰۴) و حتی در روابط پزشک و

بیمار نیز آنچه بر مسئله حکومت می‌کند قواعد اتلاف و تسبیب است (یزدی، ۱۴۲۱: ۶۸). در حقوق ایران به تبع فقه امامیه مسئولیت طبیب از متفرعات بحث اتلاف و تسبیب به شمار می‌رود و ذیل ضمان قهری جای می‌گیرد و از همین رو بین صورتی که پزشک با بیمار قرارداد داشته با فرضی که پزشک به دلیل شرایط اضطراری و به تجویز قانون‌گذار اقدام به درمان یا جراحی کرده تفاوتی از حیث مسئولیت وجود ندارد؛ همچنان که اگر قرارداد پزشک و بیمار به دلایلی همچون نامعلوم بودن اجرت باطل باشد در مسئله تفاوتی ایجاد نمی‌کند. تأثیر قرارداد عمدتاً در میزان استحقاق پزشک و جواز معالجه و تصرف در بدن بیمار است نه در نوع مسئولیت طبیب. آری، در برخی موارد قرارداد مصحح رابطه سببیت می‌شود. مثلاً باغبانی که تخلف کرده و باغ را آبیاری نکرده، عرفاً، مسبب تلف درختان به حساب می‌آید و از باب تسبیب ضامن است. منتهی قرارداد مبنای ضمان باغبان نیست، بلکه سببیت وی برای خشک شدن درختان مبنای مسئولیت اوست. برخی از مؤلفان این احتمال را کاملاً قوی دانسته‌اند که در حقوق ایران آنچه تحت عنوان مسئولیت قراردادی مطرح است دقیقاً ناشی از قرارداد و به عبارت دیگر برگرفته از شرط ضمن عقد و تراضی طرفین است و تغییرات صورت گرفته در ماده ۲۲۱ قانون مدنی و افزودن شروط سه‌گانه‌ای به انتهای ماده و تأکید بر ضرورت آن‌ها در مواد ۲۲۲ و ۲۲۸ را از دلایل این ادعا می‌شمارند (الشریف، ۱۳۹۲: ۶۴۹). به گفته این مؤلفان ماده ۲۲۱ قانون مدنی معادل ماده ۱۱۴۲ سابق قانون مدنی فرانسه است. اما نویسنده قانون مدنی ایران نه فقط آن را واژگونه ساخته بلکه سه شرط برای آن مقرر داشته است. بر اساس ماده فرانسوی «هر تعهد به انجام دادن کار یا ترک کار در صورت تخلف متعهد به جبران خسارت بدل می‌شود». بر اساس این ماده مسئولیت به جبران خسارت همان تعهد اولیه است که در فرض تخلف مبدل به جبران خسارت شده است. نویسنده قانون مدنی ایران این قاعده را واژگون کرده و مقرر داشته در صورت تخلف متعهد مسئول خسارت نیست، مگر اینکه صراحتاً یا ضمناً شرط شده یا قانون چنین حکمی را مقرر داشته باشد (الشریف، ۱۳۹۲: ۶۴۹). اغلب استادان حقوق مدنی ایران سه شرط ذیل ماده ۲۲۱ را زائد و غیر قابل توجیه دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۶۹). تردیدی نیست که پذیرش اصل درج شده در ماده ۱۱۴۲ ق.م. فرانسه با فقه ناسازگار است. زیرا از یک سو صرف تخلف از قرارداد به خودی خود نمی‌تواند ضمان آور باشد و در فقه موجب ضمان شناخته نمی‌شود (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۱۵ به بعد) و از سوی دیگر اگر نقض قرارداد موجب خسارت مالی شده باشد نیز قواعد ضمان قهری، همچون اتلاف و تسبیب، بر مسئله حکومت دارد و مبنای مسئولیت اتلاف و تسبیب است نه نقض قرارداد. در نگاه فقهی ضمانت اجرای تخلف از قرارداد اصولاً اموری همچون فسخ یا انفساخ یا امکان الزام قضایی است و فقط در صورتی می‌توان برای صرف نقض قرارداد مسئولیتی بر دوش متخلف از قرارداد بار کرد که صراحتاً یا ضمناً چنین شرطی بین آن‌ها شده باشد؛ مانند شرط وجه التزام یا اینکه قانون چنین شرطی را به قرارداد آن‌ها تحمیل کند (الشریف، ۱۳۹۲: ۶۴۹). بنا بر این دیدگاه، در فرضی که خود متعهد اصلی از قرارداد تخلف می‌کند، در فرض ورود خسارت، مبنای مسئولیت وی تحقق یکی از اسباب ضمان قهری است و اگر خسارتی به بار نیامده باشد فقط در صورت اشتراط می‌توان از نقض کننده مبالغی را به عنوان وجه التزام یا شرط کیفری مطالبه کرد. حال در فرض ما، که نقض تعهد از سوی کسی جز متعهد قراردادی صورت گرفته، اشکال مسئولیت قراردادی شدیدتر است و اگر نقض قرارداد به آسیبی بر اموال متعهدله بینجامد یا خسارتی مالی برای وی داشته باشد، مسلماً، مسبب این خسارات از باب ضمان قهری مسئولیت دارد و اطلاق قواعد اتلاف و تسبیب چنین فرضی را نیز در بر می‌گیرد و اما مسئولیت متعهد اولیه فقط در فرضی ممکن است که متعهد، با شرط صریح یا ضمنی یا به حکم قانون، جبران خسارات ناشی از فعل دیگری را به عهده گرفته باشد. بنابراین، اگر وکیلی اختیار واگذاری و توکیل را داشته یا اجیری مجاز در واگذاری کار به دیگری بوده و ثالث به اموال متعهدله آسیب رسانده یا به دلیل تقصیر و تخلف خود متعهدله را از منافع مسلمی محروم کرده باشد، مطابق قواعد ضمان قهری، ثالث از باب اتلاف و تسبیب مسئول تلف یا نقص اموال و احیاناً عدم النفع مسلم متعهدله است. خلاصه اینکه اگر همچون سایر نظام‌های حقوقی نفس عدم انجام دادن تعهد را تقصیر به شمار آوریم و متعهد را از باب مسئولیت قراردادی مسئول زیان وارده بدانیم، می‌توان در فرض واگذاری تعهد به دیگری نیز از مسئولیت قراردادی ناشی از واگذاری تعهد به دیگری سخن گفت؛ منوط به اینکه عمل ثالث را قوه قاهره برای متعهد به حساب نیوریم. اما اگر ادعای یادشده مبنی بر اینکه در حقوق ایران در جایی که از نقض قرارداد خسارت مالی به بار آمده مبنای مسئولیت ضمان قهری است نه مسئولیت قراردادی و فقط در جایی می‌توان از مسئولیت قراردادی سخن گفت که مبنای

مسئولیت متعهد ریشه در قرارداد و تراضی داشته باشد که مصداق آن دریافت وجه التزام قراردادی و نظایر آن است، مسئولیت متعهد فقط می‌تواند بر مبنای تضمین خسارات کارگزاران فرعی توجیه شود که چنین تضمینی نیز یا باید در قرارداد درج شده باشد یا عرف در آن مورد چنان روشن و قوی باشد که در حکم تصریح و اشتراط باشد یا قانون‌گذار بنا به مصالحی در آن حوزه خاص چنین شرطی را به قرارداد تحمیل کند.

۲.۲. بررسی مسئله بر اساس مبانی مسئولیت قهری

با توجه به مبانی پیش‌گفته سعی در پاسخ به این پرسش داریم که هرگاه متعهد اولیه اقدام به واگذاری تعهد به ثالث می‌کند یا اجرای تعهد را به زیردستان خود می‌سپارد مسئولیت هر یک از متعهد اول و ثالث چیست؟ به نظر می‌رسد در سیستم حقوقی ما امکان ارائه یک حکم کلی در این خصوص وجود نداشته باشد. بنابراین، جهت دستیابی به یک پاسخ درست باید حالات مختلف را از یک‌دیگر تفکیک کرد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲.۲.۱. اتلاف مال

هرگاه مال موضوع عقد به متعهد تحویل داده شود و متعهد دیگری را بر آن مستولی کند، مانند اجیری که تعهد به دوختن پارچه می‌کند و جهت انجام دادن تعهد آن را به شاگرد یا خیاط دیگری واگذار می‌کند، چنانچه اذن مالک در تسلیم متعلق اجاره شرط دانسته شود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۶۷)، اگر اجیر بدون اجازه مالک مال را در اختیار دیگری، اعم از شاگرد یا دستیار یا اجیر ثانی، قرار دهد، ید همه افراد ضمانی خواهد بود و مسئول هر گونه نقص و عیب و تلف هستند. در این شرایط در صورت اتلاف مال از سوی شاگرد یا اجیر ثانی ضمان ایشان مانع ضمان اجیر اول از باب ضمان ید نخواهد بود. اما مطابق مبانی فقهایی که قائل به عدم نیاز اذن مالک در تسلیم متعلق اجاره هستند (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۳۸؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۱: ۶۳۲) و همچنین طبق نظر قائلین به لزوم اذن مالک در فرضی که مالک نیز اذن داده است، ید اجیر دوم یا شاگرد و دستیار ید امانی تلقی می‌شود. در این صورت آن‌ها ضامن تلف مال نخواهند بود. در فرض اتلاف از سوی شاگرد یا اجیر ثانی نیز به استناد قاعده اتلاف شاگرد یا اجیر ثانی در مقابل مستأجر مسئول تلقی می‌شود، اما موجبی برای مسئولیت اجیر اول وجود ندارد. تنها راهی که در اینجا می‌توان به وسیله آن متعهد اول را مسئول دانست مسئولیت ناشی از فعل غیر است که چنان که آمد مسئله در حقوق ایران اختلافی است و دست‌کم، بنا بر برخی دیدگاه‌ها، فقط از طریق اشتراط صریح یا ضمنی پذیرفتنی است.

۲.۲.۲. اتلاف جسم

زمانی که موضوع تعهد بدن انسان است، مانند پزشکی که تعهد به انجام دادن عمل جراحی کرده یا متصدی حمل‌ونقلی که عمل حمل انسان را به متصدی دیگر یا راننده می‌سپارد، مطابق قواعد پیش‌گفته، شخصی که سبب اتلاف شده است ضامن خواهد بود. تفاوت این صورت با قسم اول در آن است که در اینجا موضوع خسارت بدن است نه مال. بنابراین، موضوع لزوم یا عدم لزوم اذن مالک مطرح نمی‌شود. زیرا بدن انسان مطابق مینا مال نیست تا موضوع ضمان ید قرار گیرد. صرف واگذاری تعهد توسط پزشک یا متصدی حمل‌ونقل به متصدی یا پزشک دیگر موجب ضمان نخواهد بود و به همین دلیل، مطابق مبانی، ضمان بر کسی بار است که موجب اتلاف شده است.

۲.۲.۳. دستور یا عمل حقوقی بودن موضوع تعهد

گاه موضوع تعهد مال یا بدن نیست، بلکه صرفاً دستور یا عمل حقوقی است؛ مانند زمانی که وکیل اول به وکیل دوم وکالت در انعقاد قرارداد می‌دهد. در این صورت چه اذن در واگذاری داشته باشد چه نداشته باشد مسئولیتی متوجه متعهد نیست. زیرا شخص مرتکب یا مباشر مسئول جبران خسارت است و وجود دستور یا وکالت‌نامه سبب نمی‌شود تا جبران خسارت از مباشر به موکل و آمر منتقل شود؛ بلکه علی‌القاعده شخص ضررزننده مسئول جبران خسارت است. علاوه بر ماده ۲۲۱ قانون مدنی که شرح آن گذشت مواد دیگری نیز مؤید این مینا به منزله قاعده اولیه در حقوق ایران است. مثلاً ماده ۶۷۳ قانون مدنی بیان می‌دارد: «اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود». مطابق این ماده، وکیل اول مسئول

اعمال و کیل دوم نیست، بلکه هر وکیل مسئول خسارتی است که مسبب آن است؛ مگر شرط صریح یا ضمنی مبنی بر مسئولیت وکیل اول شده باشد. در جایی که وکیل حق توکیل به غیر داشته باشد، به طریق اولی، این حکم جاری است. بنابراین اگر وکیل بر اساس حق توکیل وکیل دیگری انتخاب کند و از اعمال وکیل دوم خسارتی به بار آید، دلیلی بر مسئولیت وکیل اول نیست.

۲.۲.۴. موضوع تعهد انجام دادن یک فعل است

در برخی موارد متعهد انجام دادن یک فعل را بر عهده گرفته است. مثلاً مالک باغ اجیری را استخدام کند تا باغ را در موعد معین آبیاری کند و با تأخیر آبیاری توسط اجیر درختان خشک شوند. در این موارد اجیر اول از باب ترک فعل و تفریط ضامن خواهد بود. اگر اجیر اجرای این تعهد را به ثالث واگذار کرده باشد و ثالث نیز در موعد مقرر اقدام به آبیاری نکند، اجیر اول کماکان در مقابل مؤجر مسئول است. مسئولیت این اجیر نه از باب مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر، بلکه به جهت ترک فعل و تفریط است.

۲.۲.۵. تأخیر در انجام دادن تعهد

فرض دیگر در جایی است که مالی از سوی متعهد تلف نشود و صرفاً تأخیر در انجام دادن تعهد خود داشته باشد. فقها این نوع خسارت را در دسته خسارت عدم النفع قرار می‌دهند. از منظر فقها اتلاف و تسبیب یعنی تلف مال موجود، در حالی که در ادعای شخص مبنی بر خسارت ناشی از تأخیر تسلیم مال مالی تلف نشده است، بلکه شخص از منفعت مالی محروم شده است. این دسته از خسارات از منظر فقها فقط در صورت شرط ضمن عقد قابل مطالبه‌اند. در هر صورت، اگر تأخیر انجام دادن تعهد را در زمره خسارات قابل مطالبه بدانیم در این صورت باید گفت متعهد اول ضامن این خسارت است. زیرا اگر مبنای جبران خسارت را شرط، اعم از صریح و ضمنی، بدانیم روشن است که متعهد اول از باب شرط مسئول جبران خسارت است و اگر مبنای جبران خسارت را تقصیر قراردادی بدانیم در این فرض نیز تأخیر انجام دادن تعهد نوعی تفریط برای متعهد اول محسوب می‌شود. به عبارتی، هر چند متعهد دوم یا شاگرد در انجام دادن تکالیف قراردادی کوتاهی کرده، این کوتاهی مانع انتساب خسارت به اجیر اول نیست. او می‌توانست از این تأخیر جلوگیری به عمل آورد و با انجام دادن عمل به تعهد خود عمل کند.

۲.۲.۶. فرض انتساب عرفی به متعهد اول

اگر شخصی که تعهدی به او واگذار شده است یا زیردست و کارگر متعهد صرفاً به دستور متعهد در حدود اذن و دستور عمل کنند و علم به اشتباه بودن دستور هم نداشته باشند و در نتیجه اقدام آنان صدمه و تلف حاصل شود، می‌توان متعهد اول را از باب سبب اقوا از مباشر مسئول دانست. البته، در این فرض، مسئولیت ناشی از فعل شخص است و نه ناشی از فعل غیر؛ چنان که در ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی آمده است: «پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی، ضامن است، مگر آنکه مطابق ماده ۴۹۵ این قانون عمل نماید». مطابق تبصره ۱ همان ماده «در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست، بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است».

۳. راهکار مسئولیت متعهد اول مطابق روایت

یکی از راهکارهای مسئولیت متعهد اول استناد به شرط ضمنی عرفی است. مثلاً در مورد یک شرکت معتبر و تخصصی تعمیر کامپیوتر می‌توان شرط ضمنی تضمین خسارات ناشی از کارگزاران را شرطی ارتکازی قلمداد کرد و از باب وجود شرط ضمنی، در دعوی مطالبه خسارت علیه شرکت، حکم به محکومیت وی داد. در این زمینه می‌توان با استناد به روایات باب اجاره عید و اخذ ملاک از آن قائل به مسئولیت متعهد اول از باب شرط ضمنی ضمان شد. در صورت پذیرش این موضوع، مسئولیت متعهد اول نه از باب مسئولیت قراردادی یا قهری ناشی از فعل غیر بلکه به استناد شرط ضمن عقد خواهد بود که مبتنی بر اراده متعهد و فعل اوست.

۳.۱. بررسی روایات باب اجاره عید

از مسائلی که در فقه محل اختلاف بین فقها قرار گرفته موضوع اجاره عید است. اگر مولی عبد را برای کار اجاره بدهد و عبد چیزی را تلف کند، خسارت بر عهده کیست؟ آیا بر ذمه عبد است یا بر عهده مولی؟ نظرات متعددی در این خصوص ارائه شده است.

مطابق یک نظر مولا و مالک عبد ضامن است و جنایت عبد سبب اشتغال ذمه مالک است (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۴۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۴۲۵؛ مقدس اردبیلی، بی تا: ۷۶). البته روشن است که این خلاف قاعده است و هیچ کس به خاطر خطا و جنایت دیگری ضامن نیست؛ مگر اینکه عناوین دیگری مثل تسبیب در بین باشد و برای اثبات آن نیاز به دلیل خاص داریم، به خصوص که عبد مملوک اراده مستقل دارد (خویی، ۱۴۱۸: ۲۵۷).

نظر دوم آنکه ذمه خود عبد مشغول است و بعد از آزادی عبد خسارت را از او می‌گیرند (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۶۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۲۸۳). زیرا اذن در عمل اذن در افساد نیست و همچنین روایت را حمل می‌کنیم به زمانی که تضييع به امر مالک باشد به خاطر ظاهر آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۲۸۳). برخی بزرگان این قول را مطابق با قاعده دانسته‌اند. زیرا مولی ضامن اتلافی که عبد انجام داده نیست (خویی، ۱۴۱۸: ۲۵۶؛ شاهرودی، ۱۴۲۹: ۷۷). این نظر مطابق فقه شافعی نیز هست (الشربینی، بی تا: ۹۹). البته برخی ایراد کرده‌اند که این نظر مستلزم ضرر است. زیرا ممکن است عبد آزاد نشود یا بعد از فوت مستأجر آزاد شود (مقدس اردبیلی، بی تا: ۷۶).

نظر سوم آن است که جبران خسارت در کسب عبد باشد؛ یعنی ذمه مولا مشغول نیست، بلکه کسب عبد برای جبران دین صرف می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۹؛ نجفی، بی تا: ۳۳۱؛ یزدی، ۱۴۲۱: ۷۰). البته این نظر هم خلاف قاعده است. زیرا کسب عبد مال مولی است و اتلاف شخصی را در مال دیگری قرار دادن خلاف قاعده است.

نظر دیگر تفاوت بین تفریط و عدم تفریط عبد در ارتکاب جنایت و اتلاف است؛ به این معنی که در فرض تفریط خسارت بر ذمه خودش مستقر است و بعد از عتق باید پرداخت شود و در فرض عدم تفریط از کسب عبد پرداخت می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۲۵) و ممکن است دلیل ایشان این باشد که وقتی کسی عبد خودش را اجاره می‌دهد در حقیقت متعهد به جبران خساراتی است که بدون تفریط از طرف او صورت می‌گیرد.

نظر پنجم که برخی از محققان مطرح کرده‌اند تفصیل بین تلف همان مال مورد عمل اجاره و غیر آن است. اگر همان مال مورد عمل اجاره را تلف کند مولا ضامن است و اگر غیر از آن را تلف کند ذمه عبد مشغول است (خویی، ۱۴۱۸: ۲۵۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۴۹۴؛ یزدی، ۱۴۲۱: ۷۰؛ تعلیقه خمینی).

با توجه به اینکه احتمالات اشاره شده بر مبنای روایات موجود در این باب مطرح شده است در ادامه به دو روایت مطرح شده در این خصوص می‌پردازیم.

روایت اول. زراره و ابو بصیر از امام صادق^(ع) روایت می‌کنند که فرمود: «امیرمؤمنان^(ع) در مورد مردی که غلامی داشت و یک نفر زرگر یا شخص دیگری او را از آن شخص اجاره کرده‌اند فرمود اگر چیزی را خراب کرد یا از دست آن‌ها فرار کرد صاحبان غلام ضامن خسارت هستند» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۹: ۱۱۴؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۳۰۲).^۱

و در مقابل روایت صحیح ابی بصیر است که از امام صادق^(ع) روایت می‌کند که ایشان درباره شخصی که برده‌ای را اجاره کرد و مال فراوانی را از میان برد فرمود: «بر صاحبش چیزی نیست و آنان حق فروش وی را ندارند، بلکه باید [برای پرداخت آن] کار کند و اگر از پرداخت آن ناتوان شد چیزی بر عهده صاحبش و چیزی بر عهده برده نیست»^۲ (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۹: ۱۱۴؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۳۸۵).

برخی فقها روایت اول را حمل بر موردی کرده‌اند که اتلاف به اذن مولی بوده و در این صورت مولی را ضامن دانسته‌اند (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۲۸۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۲۵).

غالب فقها بین دو روایت جمع کرده‌اند و این جمع سبب اختلاف آرای فوق شده است. مثلاً قاتلان به ضمان در کسب عبد روایت اول را مطلق فرض کرده‌اند و در نتیجه موالی را ضامن دانسته‌اند تا از کسب عبد دین را جبران کنند. در حقیقت ذمه مولی

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي رَجُلٍ كَانَ لَهُ غُلَامٌ فَاسْتَأْجَرَهُ مِنْهُ صَانِعٌ أَوْ غَيْرُهُ قَالَ إِنْ كَانَ صَانِعٌ شَيْئاً أَوْ أَبَى مِنْهُ فَمَوْلَاهُ ضَامِنُونَ.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ اسْتَأْجَرَ مَمْلُوكاً فَيَسْتَهْلِكُ مَالاً كَثِيراً فَقَالَ لَيْسَ عَلَى مَوْلَاهُ شَيْءٌ وَلَا عَلَى الْعَبْدِ شَيْءٌ.

به چیزی مشغول نمی‌شود. پس، اگر عبد بمیرد لازم نیست مولی چیزی بپردازد. اما مولی باید از کسب عبد جبران کند. در نتیجه مولی در کسب عبد ضامن است (نجفی، بی‌تا: ۳۳۱؛ زدی، ۱۴۲۱: ۷۰). البته اشکال این جمع آن است که در روایت اول در فرض فرار عبد نیز مولی را ضامن دانسته است؛ در حالی که در اینجا ممکن نیست مضمون له به کسب عبد تعلق گیرد. زیرا ضامن مولی در فرض فرار عبد ضامن معاوضی و سبب انفساخ عقد اجاره است. در نتیجه ضامن به اجرت المسمی است و معنی ندارد که اجرت المسمی در کسب عبد قرار گیرد (شاهرودی، ۱۴۲۹: ۸۱).

بزرگان دیگری نیز در موارد تلف تفصیل داده‌اند به این صورت که اگر همان عینی که عبد برای عمل بر روی آن اجیر شده است تلف شود مولا ضامن است و اگر غیر آن تلف شود خود عبد ضامن است (خویی، ۱۴۱۸: ۲۵۹). البته می‌توان ایراد کرد که در روایت اول عبارت «ضیع شیئا» آمده است و در روایت دوم عبارت «فبستهلک مالا کثیرا» وجود دارد و این دو عبارت هم با موردی که عبد مال مورد عمل اجاره را تلف کند سازگار است هم با جایی که مال دیگری را تلف کند.

اشکال اساسی که به این جمع‌ها وارد می‌شود این است که موضوع در دو روایت مساوی نیست. روایت اول در جایی است که مستأجر مملوک را از مولایش اجاره کرده است. اما روایت دوم در جایی است که عبدی اجیر شده باشد که در این صورت مستأجر عبد را از مولایش اجاره نکرده است. فروض مختلفی در این صورت قابل تصور است. در یک صورت خود عبد بدون اذن مولی اجیر شده باشد و بنابراین روایت از این جهت مطلق است. بزرگانی همچون صاحب وسائل نیز روایت را شامل فرضی دانسته‌اند که عبد بدون اذن مولی اجیر شده باشد و اجاره فضولی باشد (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۹: ۱۱۴). صورت دوم جایی است که عبد حق دارد خود را اجاره بدهد. مثلاً عبد مبعوض باشد یا عبد مکاتب باشد که می‌تواند خودش را اجاره بدهد و کار کند تا قیمت خودش را به مولا پرداخت کند.

بنابراین، مفاد روایت اول اخص است و روایت دوم مطلق است و جمع بین مطلق و مقید حمل مطلق بر مقید است و باید روایت مطلق را تقيید کرد. در نتیجه در مواردی که مستأجر عبد را از مولا اجاره کرده باشد مولا ضامن است و در غیر این صورت مولا ضامن نیست. اما خسارت باید از کسب عبد پرداخت شود (شاهرودی، ۱۴۲۹: ۸۲). این امر مطابق قاعده نیز به نظر می‌رسد. زیرا وقتی عبد را از مولا اجاره می‌کنند و مولا او را اجیر می‌کند در حقیقت مولا خسارات ناشی از عمل اجیر را ضمانت می‌کند؛ مانند مواردی که کارگری از شرکتی اجیر می‌شود. در این صورت عرف شرکت را ضامن می‌داند. اما جایی که فرد را مستقل اجاره می‌کنند خود اجیر ضامن است.

۳.۲. نفي مسئولیت ناشی از فعل غیر در روایت

آیا اساساً مسئولیت ناشی از فعل غیر مبنای شرعی دارد؟ آیا می‌توان شخصی را مسئول عمل شخص دیگر دانست؟ در مسئولیت ناشی از فعل غیر رابطه سببیت میان غیر (کارگر، صغیر) و زیان واقع می‌شود. ولی شخص ثالث (کارفرما، سرپرست صغیر) به حکم قانون مسئول تلقی می‌شود. مبنای حکم قانون را نیز رابطه تابع و متبوع دانستند. به عبارتی، در صورتی که یک شخص زبانی به بار آورد شخص دیگر که بر او کنترل یا قدرت امر و نهی دارد باید پاسخگوی این زیان باشد (ژوردن، ۱۳۹۱: ۱۵۳).

از یاد نبریم که در حقوق خارجی وقتی از رابطه سببیت به منزله یکی از ارکان مسئولیت سخن گفته می‌شود فقط در فرض مسئولیت شخصی است که منظور از آن وجود رابطه سببیت بین فعل یا تقصیر شخص با زیان وارده است. اما در مسئولیت شخص نسبت به فعل غیر مراد از وجود رابطه سببیت رکن مسئولیت مدنی رابطه سببیت بین فعل غیر (مثلاً صغیر یا کارگر) با زیان وارده است نه رابطه سببیت بین زیان با فعل شخص مسئول، یعنی کارفرما یا نگه‌دارنده صغیر. در حقوق فرانسه مسئولیت مراقب نه بر مبنای تسبیب بین فعل شخص متبوع (والدین یا مراقب یا کارفرما) با زیان بلکه بر این مبنا استوار است که به حکم قانون این افراد، همان‌طور که مسئول فعل شخصی زیان‌بار خود هستند، مسئولیت فعل زیان‌بار اشخاص تحت تبعیت و مراقبت خود را نیز بر عهده دارند.

حال، آیا در حقوق ما نیز با ایجاد رابطه سببیت بین زیان و فعل زیان‌بار غیر می‌توان شخص ثالث را مسئول دانست؟ آیا رابطه سببیت به این معنی مورد پذیرش نظام حقوقی ما قرار دارد؟

رابطه سببیت از منظر فقه و قانون ایران باید بین زیان و شخص برقرار شود. به عبارتی، استناد عرفی باید بین زیان و فاعل

فعل زیان بار وجود داشته باشد تا مسئولیت شکل گیرد. در این زمینه، ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید». در مواد متعدد از قانون مجازات نیز صحبت از «استناد حادثه» به شخص در میان است. به همین جهت مسئول دانستن ثالث (کارفرما و ولی) در جایی که زیان به ثالث مستند نیست و بلکه به فاعل فعل زیان بار (کارگر و صغیر) مستند است بسیار محل ایراد به نظر می‌رسد.

با دقت در روایت دوم نیز می‌توان به این نتیجه رسید که مسئولیت ناشی از فعل غیر مطابق روایت نفی شده است. مولا مالکیت بر عبد دارد و در نتیجه نقش بیشتری نسبت به مراقب و تابع ایفا می‌کند. با وجود این، امام^(ع) مولا را مسئول اعمال عبد ندانسته است. به عبارتی صرف رابطه تابع و متبوع سبب مسئولیت تابع نخواهد بود. مطابق مبنای و قاعده «وزر» هر کس مسئول اعمال خویش است و نمی‌توان افراد را مسئول اعمال غیر دانست و این روایت نیز در این زمینه قابل تحلیل است. یکی از ادله دکتربین در طرح مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر آن است که زیان دیده با دو مسئول روبه‌رو باشد و این نوعی تضمین برای زیان دیده است (لوراسا، ۱۳۷۵: ۶۳؛ یزدانیان، ۱۳۹۱: ۳۰۶). همچنین این مسئول‌انگاری سبب می‌شود تازیانی بدون جبران نماند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۶۳)؛ در حالی که از منظر فقهی این دلایل مردود است. مطابق مبنای، ما با اصل برائت مواجهیم و نمی‌توان بدون موجب ضمان شخصی را صرفاً به دلیل اینکه زیان دیده با دو مسئول مواجه شود یا خسارت او کامل جبران شود مسئول دانست. چنانچه در روایت دوم (صحیح ابی بصیر) فرضی را مقرر نموده که اساساً خسارت زیان دیده بدون جبران می‌ماند.

۳.۳. مسئولیت متعهد اول بر مبنای روایت

با جمع پیش گفته از دو روایت و استفاده از ملاک آن می‌توان در خصوص موضوع مقاله نیز قائل به این مهم شد که وقتی شخص متعهد اقدام به واگذاری تعهد به شخص دیگری می‌کند در واقع متعهد اول خسارات ناشی از متعهد دوم را ضمانت می‌کند. در این صورت مبنای مسئولیت متعهد اول شرط ضمنی ضمان خواهد بود. به عبارتی همان‌طور که ائتلاف از سوی عبد سبب مسئولیت مولا از باب شرط تضمین خسارت شده است عمل متعهد دوم نیز سبب مسئولیت متعهد اول از باب شرط ضمنی ضمان خواهد شد. خصوصیتی در عبد نیست تا روایت را منحصر به عبد بدانیم. عبد، مانند متعهد ثانی، شخص مختاری است که باید مطابق قاعده زمان بر او مستقر شود. ولی به علت رابطه عقدی که بین مولا و مستأجر وجود دارد مولا ضامن جبران خسارت شده است.

یکی از مصادیق مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر را می‌توان در جایی دانست که طرف قرارداد شخص حقوقی است و مباشر اجرا اعضای شخص حقوقی به حساب می‌آیند. آیا امکان تفکیک بین شخص حقوقی و اعضای آن وجود دارد؟ در این مورد نیز مطابق قواعد مسئولیت متوجه کسی است که زیان منتسب به اوست.^۱ در اینجا نیز مطابق روایت می‌توان قائل به این شد که شرکت در صورت ورود خسارت توسط کارکنان خود از باب شرط تضمین مسئول است. به نظر می‌رسد مصلحت جامعه اقتضای مسئولیت شرکت را دارد و این مسئولیت مطابق قواعد است. مولا وقتی طرف عقد قرار می‌گیرد شرط تضمین خسارت ناشی از فعل عبد بر او بار می‌شود. شرکت نیز وقتی که طرف عقد است شرط تضمین خسارت ناشی از اعمال کارکنان یک شرط ضمنی تلقی می‌شود.

بنابراین در این مورد با استفاده از تنقیح مناط و الغای خصوصیت^۲ حکم به مسئولیت متعهد اول خواهیم داد. زیرا ملاک در حکم امام^(ع) وجود رابطه قراردادی بین مولا و مستأجر است و این ملاک در واگذاری تعهد هم وجود دارد و رابطه قراردادی بین متعهد اول با متعهدله سبب ضمان متعهد اول از باب شرط تضمین خسارت خواهد بود.

۱. ماده ۱۶ قانون حمایت از مصرف‌کننده، مصوب ۱۳۸۸، همچنین ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیک، مصوب ۱۳۸۲: «مطابق مواد فوق اگر شخص حقوقی سبب ورود خسارت شود مسئول خواهد بود و در این صورت خسارت از اموال او پرداخت خواهد شد. اگر خسارت منتسب به فعل شخصی افراد باشد در این صورت مسئولیتی متوجه شرکت نخواهد بود».

۲. برخی فقها الغای خصوصیت و تنقیح مناط را به معنای واحدی ارجاع دادند (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۹۳).

ممکن است اشکال شود که علت حکم مالکیت مولا بر عبد است که پاسخ داده می‌شود صرف مالکیت سبب مسئول بودن نیست؛ چنان که در روایت دوم با وجود مالکیت مولا بر عبد مسئولیت با عبد بوده است.

نتیجه

قانون مدنی ایران برخلاف برخی از کشورها اقدام به وضع قاعده عام در خصوص پذیرش مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر نکرده است. قانون مدنی نه فقط به مصداقی از این مسئولیت در قانون مدنی اشاره نکرده، بلکه برخی مواد قانونی را که در قانون مدنی فرانسه به منزله مصادیقی از مسئولیت قراردادی قابل استناد بوده است تغییر داده است. سکوت قانون و اختلاف استادان حقوق دو مانع اصلی در قبول مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر در حقوق ماست. حال در فرض سکوت قانون باید به سراغ مبانی قانون مدنی در خصوص مسئولیت متعهد اصلی رفت. مسئولیت متعهد اصلی بر یکی از دو نوع مسئولیت قراردادی یا قهری قابل پذیرش است. مسئولیت قراردادی برخلاف مفهوم فرانسوی آن دقیقاً ناشی از قرارداد و به عبارت دقیق‌تر برگرفته از شرط ضمن عقد و تراضی طرفین است. به عبارت دیگر مسئولیت قراردادی به این معنی که صرف عدم انجام دادن تعهد تقصیر تلقی شود و موجب جبران خسارت باشد مورد پذیرش قانون مدنی نیست. در مقابل، از منظر فقه و حقوق ایران اگر کسی سبب تلف یا مباشر تلف مال دیگری قرار گیرد مشمول قواعد اتلاف و تسبیب می‌شود و وجود قرارداد مانع از شمول قواعد ضمان قهری نمی‌شود. بنا بر این دیدگاه، در فرضی که خود متعهد اصلی از قرارداد تخلف می‌کند، در فرض ورود خسارت، مبنای مسئولیت وی تحقق یکی از اسباب ضمان قهری است و اگر خسارتی به بار نیامده باشد فقط در صورت اشتراط می‌توان از نقض‌کننده مبالغی را به عنوان وجه التزام یا شرط کیفری مطالبه کرد. بنابراین، بررسی مسئله ذیل مسئولیت قهری این پاسخ را به ما خواهد داد که فرضی که مالی موضوع عقد است به متعهد تحویل داده می‌شود و متعهد دیگری را بر آن مستولی می‌کند اگر اذن در واگذاری نداشته باشد از باب ضمان ید هر دو ضامن هستند و اگر اذن در واگذاری داشته باشد که در این صورت اگر مرتکب تعدی و تفریط نشده باشد و شخصی را که صلاحیت لازم را داشته به این کار گمارده است ید امانی او به ید ضمانی تبدیل نمی‌شود و بنابراین در صورت تلف یا نقص مال توسط ثالث مسئولیتی متوجه او نیست. در برخی فروض نیز مالی وجود ندارد و صرفاً ناشی از دستور است؛ مانند زمانی که وکیل اول به وکیل دوم وکالت در انعقاد قرارداد می‌دهد. چه اذن در واگذاری داشته باشد چه نداشته باشد، مسئولیتی متوجه متعهد نیست. زیرا شخص مرتکب یا مباشر مسئول جبران خسارت است و وجود دستور یا وکالت‌نامه سبب نمی‌شود جبران خسارت از مباشر به موکل و آمر منتقل شود. به طور کلی ایراد خسارت از سوی ثالث مسئولیتی برای متعهد ایجاد نخواهد کرد؛ مگر این مسئولیت صراحتاً یا ضمناً بر شخص متعهد شرط شده باشد. در بررسی دو روایت زراره (اول) و ابی بصیر (دوم) به این جمع قائل شدیم که اگر مستأجر عبد را از مولا اجاره کرده باشد مولا ضامن است و در غیر این صورت مولا ضامن نیست. اما خسارت باید از کسب عبد پرداخت شود. این جمع نیز مطابق قاعده است. زیرا، در صورت رابطه قراردادی مولا با مستأجر، حکم به مسئولیت مولا از باب شرط ضمنی تضمین خسارت است. در نتیجه با تنقیح مناط از روایت می‌توان به این نتیجه قائل شد که متعهد اول به علت رابطه قراردادی که با متعهدله دارد از باب شرط ضمنی تضمین خسارت مسئول است.

منابع

- ابن ادریس حلی (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ج ۲.
- بابایی، ایرج (۱۳۹۴). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد. تهران: میزان.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳). *الحدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهره*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ج ۴ و ۲۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹). *ترمیمولوژی حقوق*. چ ۳۲. تهران: گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لاحیاء التراث. ج ۱۹.
- حکمت‌نیا، محمد (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی در فقه امامیه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حکیم، محسن (۱۳۷۴). *مستمک العروه الوثقی*. قم: دار التفسیر. ج ۱۳.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). *موسوعه الامام الخویی*. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی. ج ۳۰.
- ژوردن، پاتریس (۱۳۹۱). *اصول مسئولیت مدنی*. مترجم: مجید ادیب. چ ۳. تهران: میزان.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). *مذهب الاحکام*. چ ۴. قم: مؤسسه المنار. ج ۱۹.
- سنهوری (بی تا). *الوسیط فی شرح القانون المدنی*. بیروت: احیاء التراث العربی. ج ۱.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۵). *منهاج الصالحین*. قم: مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی. ج ۲.
- شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۹). *کتاب الاجاره*. قم: مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی. ج ۲.
- الشربینی، محمد بن احمد (بی تا). *معنی المحتاج*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الشریف، محمد مهدی (۱۳۹۲). *منطق حقوق*. چ ۲. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شهید ثانی (۱۴۱۳). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه. ج ۵.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). *آثار قراردادها و تعهدات*. چ ۳. تهران: مجد.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه. ج ۶.
- _____ (۱۴۰۰). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دار الکتب العربی.
- عاملی، سید جواد (۱۴۱۹). *مفتاح الکرامه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ج ۱۶ و ۲۰.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰). *ارشاد الازهان الی احکام الایمان*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ج ۱.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲). *عروه الوثقی*. قم: مرکز فقه الأئمه الأطهار^(ع). ج ۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها*. چ ۵. تهران: شرکت سهامی انتشار. ج ۴.
- _____ (۱۳۹۲). *عقود معین*. چ ۷. تهران: شرکت سهامی انتشار. ج ۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه. ج ۵.
- لورر اساء، میشل (۱۳۷۵). *مسئولیت مدنی*. مترجم: محمد اشتری. تهران: حقوقدانان.
- محقق حلی (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: اسماعیلیان. ج ۲.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لاحیاء التراث. ج ۷.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷). *الغناوین الفقهیه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ج ۲.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الازهان*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ج ۱۰.
- نجفی، محمد حسن (بی تا). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ج ۲۷.
- یزدانیان، علی رضا (۱۳۹۵). *قواعد عمومی مسئولیت مدنی*. تهران: میزان. ج ۳.
- یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۱). *العروه الوثقی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ج ۵.

-----Allameh Heli, H.B.Y (1989). *Irshad al-Azhan Ela Ahkame Iman*. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation. Vol. 1. (in Arabic)

Al-Sharbini, M. A. (No date). *Mughni al-Mohtaj*. Beirut: Dar Ihiya al-Tarath al-Arabi. (in Arabic)

Al-Sharif, M. M. (2012). *Logic of Laws*. 2th edition. Tehran: Publishing Company. (in Persian)

Ameli, S. (1998). *Miftah al-Karamah*. Qom: Islamic Publications Office. Vol. 16 & 20. (in Arabic)

- Babaei, I. (2014). *Civil Liability Rights and Non-Contractual Requirements*. Tehran: Mizan. (in Persian)
- Bahrani, Y. B. A. (1984). *Al-Hadaiq al-Nazerah fi Ahakam al-Etrat al-Tahirah*. Vol. 4 & 21. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation. (in Arabic)
- Fazel Lankarani, M. (2001). *Urwa al-Wosgha*. Qom: Center of Jurisprudence of the Imams of Athar (peace be upon them). Vol. 2. (in Arabic)
- Hakim, M. (1995). *Mustamsk al-urwa al-Wosgha*. Qom: Dar al-Tafsir. Vol. 13. (in Arabic)
- Hakmat-Nia, M. (2009). *Civil Responsibility in Imami Jurisprudence*. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. (in Persian)
- Hor Ameli, M. B. H. (1995). *Tafsil Vasael Al-Shia Ela Tahsil Masael Al-Sharia*. Qom: Al-Al-Bayt Institute (peace be upon him) Lahiya al-Tarath. Vol. 19 & 29. (in Arabic)
- Ibn Idris Hali (1989). *Al-Sara'er Al-Hawi Letahrir Al-Fatawi*. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. Vol. 2. (in Arabic)
- Jaafari Langroudi, M. J. (2019). *Legal Terminology*. 32nd edition. Tehran: Ganj Danesh. (in Persian)
- Jourdan, P. (2012). *Principles of civil responsibility*. Translator: Majid Adib. 3th edition. Tehran: Mizan. (in Persian)
- Katouzian, N. (2007). *General Rules of Contracts*. 5th edition. Tehran: Publishing Company. Vol. 4. (in Persian)
- (2012). *Spesific Contracts*. 7th edition. Tehran: Publishing Company. Vol. 4. (in Persian)
- Khoei, S.A. (1997). *Mosoe Imam al-Khoei's*. Qom: Institute for Revival of Imam Al-Khoei's Works. Vol. 30. (in Arabic)
- Koleini, M. B. Y. (1984). *Al-Kafi*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. Vol. 5. (in Arabic)
- Lor-Rasa, M. (1996). *Civil liability*. Translator: Mohammad Ashtri. Tehran: Nesharhuqdanan. (in Persian)
- Maraghi, S. A. F. (1996). *Al-Anawin al-Fiqhiyyah*. Qom: Islamic Publishing Institute. Vol. 2. (in Arabic)
- Mohagheq Heli (1987). *Sharaye al-Eslam fi Masael al.Halal va al.Haram*. Qom: Ismailian. Vol. 2. (in Arabic)
- Mohagheq Karki, A. B. H. (1993). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qavaed*. Qom: Al-Al-Bayt (peace be upon him) Institute for Revival of Heritage. Vol. 7. (in Arabic)
- Muqadas Ardabili, A. B. M. (No date). *Majma al-Faidah wa Al-Barhan Fi Sharhe Irshad al-Azhan*. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation. Vol. 10. (in Arabic)
- Najafi, M. H. (No date). *Jawaher al.Kalam Fi sharhe Sharaye al-Islam*. C27. Beirut: Revival of Arab Heritage. (in Arabic)
- Sabzwari, S. A. A. (1992). *Mohazab al-Ahkam*. C19. The fourth Al Manar Institute, Qom. (in Arabic)
- Senhourri (No date). *al-Wasit fi Sharh al-Qanun al-Madani*. Beirut: Revival of the Arab Heritage. Vol. 1. (in Arabic)
- Shaheed Thani (1992). *Masalak al-Afham ela Tanghieh Shari' al-Islam*. Qom: Islamic Encyclopaedia Institute. Vol. 5. (in Arabic)
- Shahidi, M. (2006). *Effects of Contracts and Obligations*. 3th edition. Tehran: Majd. (in Persian)
- Shahrودي, S. M. (2008). *Kitab al-Ajarah*. Qom: Islamic Fiqh Encyclopedia Institute. Vol. 2. (in Arabic)
- Sistani, S. A. (1994). *Menhaj al-Salehin*. Vol. 2. Qom: Grand Ayatollah Al-Sayed Al-Sistani School. (in Arabic)
- Tusi, M. B. H. (1989). *Tahzeeb al-Ahkam*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. Vol. 6. (in Arabic)
- (1979). *Al-Nahaye Fi Magarad Fiqh and Al-Fatawi*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (in Arabic)
- Yazdani, A. (2015). *General Rules of Civil Liability*. Tehran: Mizan. Vol. 3. (in Persian)
- Yazdi, M. K. (2000). *Al-Arwa Al-Wathqi*. Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House. Vol. 5. (in Arabic)